

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۱۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۱۴ مای ۲۰۰۸

mansoorfarzad@yahoo.se

سر دبیره: منصور فرزاد

بیانیه مشترک اتحادیه آزاد، انجمن صنفی، کارگران شاهو و...

پیگیری وضعیت عزیزان خود در میدان امام بوشهر چادر زده و در این مدت در چادر خود در این میدان زندگی کرده اند، دیشب مامورین نیروی انتظامی بوشهر به چادر آنها آمده و اعلام کرده اند طبق دستور صفحه ۴

مه گذشت، اداره اطلاعات بوشهر تا پیروز از محل نگهداری این دو نفر امتناع میکرد و بطور مرتب خانواده های آنان را از طریق عدم اعلام مکان نگهداری شان مورد آزار و اذیت قرار میداد. خانواده های این کارگران برای

ما خواهان آزادی کارگران زندانی و منع تعقیب قضایی ۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه هستیم
چهارده روز از بازداشت جوانمیر مرادی و طاهای آزادی از کارگران عسلیویه و اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به جرم تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه



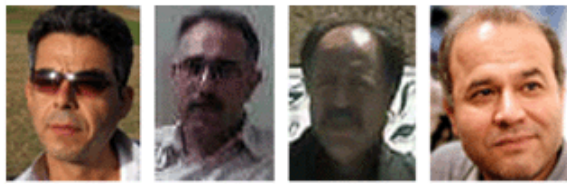
مصاحبه ایسکرا با عبدالگیریان در مورد بحران زحمتکشان

ایسکرا: اخیرا دوباره در سازمان زحمتکشان اختلافات شدیدی بین دو جناح شکل گرفت. جناح عبدالله مهتدی به شیوه همیشگی خود با اسلحه و زور وارد میدان شد و چند نفر را زخمی کردند. متعاقب آن کلیه مخالفین و خانواده های آنها را از اردوگاه اخراج کردند. اگر ممکن است مقداری در مورد پیشینه شکل گیری این جریان و دلایل این انشعابها برای خوانندگان ایسکرا توضیح دهید.

جریان مهتدی ایلخانی یک جریان ناسیونالیست درون حکا بود که تا حوالی جنگ خلیج هنوز ظاهر چپ داشت، اما در متن فروپاشی بلوک شرق پرچم ناسیونالیسم بطور علنی

صفحه ۲

عبدالگیریان: انشعاب اخیر در



منصور اسالو شیث امانی جوانمیر مرادی طه آزادی

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و تحولات پیش رو

محمد آسگران

کردستان ایران دست نشان کنم. تحلیل روندهای آتی و جایگاه این جریانات در کردستان برای مردم و حزب ما مهم است. مهم است زیرا ما در یک نگاه کلی دو جنبش اجتماعی ناسیونالیستی و سوسیالیستی را در تقابل با هم میبینیم. مهم است زیرا هر کدام از این جنبشها و احزاب منبعث از آنها تلاش میکنند سیر آتی جامعه را آنطور که میخواهند شکل بدهند.

جنبش کمونیسم کارگری در

صفحه ۳

هرکس بخواهد به این عرصه بپردازد علاوه بر جنبشهای اجتماعی با یک دوجین احزاب، سازمان، گروه و دسته جات مختلف و متفاوت روبرو میشود. من در این خصوص تلاش میکنم به تحولات جامعه کردستان ایران و موقعیت جریانات و احزابی بپردازم که جایگاهی در جنبش ناسیونالیستی یا سوسیالیستی دارند. تلاش میکنم نگاه مختصری به هر کدام از اینها داشته باشم و موقعیت اینها را در تحولات آتی منطقه و به تبع

صفحه ۴

نامه آئی تی یو سی به محمود احمدی نژاد در باره سرکوب و دستگیریهای صورت گرفته در اول ماه مه

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به آئی تی یو سی در مورد بازداشت شیث امانی و تشدید فشار بر کارگران در اول ماه مه

صفحه ۵

اخبار مرتبط با مراسم اول مه در عسلیویه و بازداشت جوانمیر مرادی و طاهای آزادی، منتشره توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران

صفحه ۵

انتقال جوانمیر مرادی و طه آزادی را به اداره اطلاعات بوشهر

صفحه ۶

برگزاری مجمع عمومی کارگران نساجی کردستان و تشکیل شورای کارخانه

صفحه ۶

معلمین بازنشسته کرمانشاه تا روز چهارشنبه برای تحقق خواسته هایشان به رئیس کل آموزش و پرورش مهلت دادند

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصاحبه ایسکرا با عبدال گلپریان در مورد بحران زحمتکشان

توسط این جریان در درون حکا بلند شد و بدنال جنگ خلیج و بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد در عراق و بر متن قیل و قال جریانات فدرالیست افق و آینده ای مشابه این احزاب را مقابل خود دید و جهتش را بعنوان یک جریان قومپرست تیز کرد.

بعد از شکست آمریکا در عراق، در هر مقطعی که تهدید نظامی آمریکا علیه ایران شدت یافته، این جریان که از کومه له منشعب شده بود و به مصادره و دزدیدن نام کومه له دست زده بود، اساسا بخاطر تحقق این اهداف قوم پرستانه بود که همچون ویروس خاصیت فعال شدن را در شرایط تهدیدات نظامی آمریکا به ایران پیدا می کرد. می خواهم بگویم که این جریان باند سیاهی در انتظار حمله نظامی آمریکا به ایران لحظه شماری می کرد تا بعنوان نیروی پیاده نظام ظاهر شود آنهم به این امید که زیر سایه چنین سناریوی سیاهی بلکه بتواند حاکمیت چند روستا را از نظامیان آمریکایی دریافت و زندگی مردم را با پرچم قوم و قومیت به تباهی بکشد.

همانطور که مطلع هستید، سال گذشته انشعابی در سازمان زحمتکشان بوقوع پیوست که بمدت چند شبانه روز تنش و درگیری، تیراندازی، مابین طرفین روی داد که منجر به زخمی شدن تعدادی از مخالفین خط مهتدی به سرکردگی عمر ایلخانی که خود را طرفدار خط رفرم در این جریان عنوان می کرد گردید که با دخالت نیروهای آسایش در سلیمانیه تا حدی جلوی جنگ خونین گرفته شد و نهایتا مخالفین خط مهتدی با نام خط رفرم انشعاب کردند

انشعاب اول اینها از کومه له در سال ۲۰۰۱ بود که به سرکردگی مهتدی و ایلخانی زاد صورت گرفت که با نام سازمان زحمتکشان بانلی را سرهم بندی کردند. انشعاب دوم در درون همین باند در سال ۲۰۰۷ بود که ایلخانی زاده و طرفدارانش تحت عنوان جناح رفرم از آن انشعاب کردند و مورد اخیر در ماه گذشته بود که تعدادی دیگر از

منظور از تحولات درون جامعه در ارتباط با این مسئله چیست؟

عبدال گلپریان: سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات علاوه بر دو به جریانات ناسیونالیست کرد تعلق دارند اما هر کدام از آنها بعنوان خانواده طیف ناسیونالیسم تا حدودی متفاوت از همدیگرند که این محتاج بحث جداگانه تری است و من در اینجا وارد بررسی آن نمیشوم. احزاب و جریانات ناسیونالیست دائره تنگ و محدودی در افق و سیاستهایشان وجود داشته و دارد. اما تا جائیکه به زحمتکشان بر می گرد، قوم پرستی بعنوان یکی از شاخصهای برجسته شعبات مختلف این جریان شناخته می شود. بستر اصلی اینها امروز دیگر ستم ملی بر مردم کردستان نیست بلکه تاریخ پیدایش و موضوعیت اینها به بحران عراق، جنگ خلیج و بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد در عراق بر می گردد. تقسیم بندی جامعه و منتسب کردن انسانها به نژاد و قوم، تاریخا بجز پاکسازی قومی، کشتار و خانه خرابی مردم، تا کنون چیز دیگری به ارمغان نیاورده است. شعبات مختلف جریان زحمتکشان را باید در این مقیاس بررسی کرد. نکته ای که در اینجا لازم است اشاره کنم این است که آنچه را که این جریان داعیه تحقق آنرا دارد "احقاق حقوق ملت کرد" عنوان می کند و با آویزان شدن به مسئله ستم بر مردم کردستان (هرچند که اینها چنین فرمولبندی را هم بکار نمیبرند)، همان زمینه ای است که احزاب ناسیونالیست و قوم پرست بر بستر بقای این ستم می کوشند که به خود موضوعیت و مشروعیت بدهند. اما ابعاد تحولاتی که در جامعه و تحت تاثیر گرایش چپ و سوسیالیستی، رادیکالیسم و مدرنیسم در میان توده های مردم و کارگران در طی سالهای اخیر بوجود آمده است، یکی از عوامل عقیم شدن افق و سیاستهای جریانات ناسیونالیست است. به این نکته بر می گرد اما بی خاصیت شدن و بی ربطی این جریانات به چنین جامعه پلاریزه شده ای است که آنان را اجبارا به گرد سیاست و تهدیدات جنگی آمریکا در قبال ایران، جمع می کند. هر وقت تنشهای لفظی و تبلیغاتی

آمریکا علیه ایران و یا بلعکس شاخ و شانه کشیدنهای جمهوری اسلامی در قبال آمریکا برجسته می شود، این جریانات نیز فعال می شوند تا بلکه سناریو سیاهی ایجاد شود و آنها نیز شبیه طالبانی و بارزانی از این نمذ برای خودشان کلاهی بیافند. تمام امید اینها چشم دوختن به حمله نظامی آمریکا به ایران است.

در همینجا این را هم خاطر نشان کنم که اختلافات و انشعابات در حزب دمکرات و جریان زحمتکشان هر دو، بر سر همین مسئله بود که انشعابیون خطر رهبری را به ناکارآمد بودن در قبال مواضع و سیاستهای آمریکا در قبال ایران متهم می کردند. تهدیدات سال گذشته آمریکا برای حمله نظامی به ایران، آب از لب و لوجه این احزاب ناسیونالیست و قوم پرست را سرازیر کرد. اینها در چنین مواقعی صفوف متحدتری دارند اما وقتی موضع آمریکا در قبال این تهدیدات و داستان ۱۶ مرکز اطلاعاتی آمریکا منتشر شد و اوضاع موقتا تغییر و فروکش کرد، این جریانات از فرط یاس و نا امیدي به جان هم افتادند و هر بخش انشعابی، خطر رهبری را به بی لیافت و ناتوان بودن در قبال اوضاع جدید و عدم تحقق اهدافشان متهم کردند. در جریان همین بحث و اختلافات در همین یک ماه اخیر، جناح انشعابی از جریان مهتدی عنوان می کند که نه تنها به این امید بستنها اعتراض داشته اند بلکه بنا به گفته خودشان گویا آش شور تر از اینها هم بوده است و اعتراض دیگرشان نسبت به خط رهبری یعنی دار و دسته مهتدی به دلیل مخالفت در گفتگو و مذاکره با ماموران اطلاعاتی حکومت اسلامی از یک سو و با سلطنت طلبان از سوی دیگر بوده است. هر چند که این سیاستها در میان احزاب ناسیونالیست کرد پدیده تازه ای نیست و سیاست رسمی، علنی و همیشگی حزب دمکرات بوده و بابت آن نیز تلفات داده است. بنابر این می بینیم که این جریان و کلا ناسیونالیسم و فدرالیسم چی های کرد، از آنجا که ربطی به خواستگاه و امید و آرزوهای توده های مردم در جامعه کردستان ندارند و تاریخا بنظم دوران اینها مدتهاست که به لحاظ اجتماعی بسر آمده است، تمام افق و استراتژی آنان امید بستن

به سیاستهای آمریکا یا معادلات و بند و بستهای از بالا است. به این اعتبار است که باید گفت افق اینها کور است.

اما نکته ای که گفتم به آن بر می گردم، مربوط به ربط تحولات اجتماعی در حاشیه ای کردن اهداف این جریانات است. بالاتر گفتم که افق و استراتژی کور اینها یعنی چه. گفتم امید به سیاستهای آمریکا و یا هر دولت مرتجعی در منطقه از جمله حکومت اسلامی که خودشان پنهان نمی کنند و با آویزان شدن به رفع ستم بر مردم کرد فقط زور می زنند که موضوعیت خود را نگه دارند منتها در واقعیت امر اینها کوچکترین ربط فکری و عملی حتی به مسئله رفع ستم بر مردم کردستان ندارند.

جامعه کردستان حتی در دوران حکومت شاه متاثر از یک مبارزه آزادیخواهانه در میان فعالین چپ و روشنفکر بود که بعد از انقلاب ۵۷ بشدت تحت تاثیر چپ و کمونیسم فضای جامعه به چپ چرخید. در جریان قیام در شهرهای کردستان نیز در بخش وسیعی از جامعه کردستان بویژه در جنوب، حزب دمکرات در مقابل همان کومه له ای که با چپ و کمونیسم تداومی میشد و به همین دلیل هم محبوبیت و اعتبار داشت، چندان جرئت ابراز وجود نداشت. جنگی که حزب دمکرات علیه کومه له آن زمان آغاز کرد، اساسا بخاطر این بود که حزب دمکرات رشد و نفوذ کمونیسم در میان کارگران و مردم و دفاع از آزادی و افشای مالکین و بورژواهای منطقه کردستان را توسط کومه له به زبان خود می دید. دفاع از حقوق زن، کوبیدن مذهب و رواج و گسترش دادن مدرنیسم و دهها مسئله دیگر از این نوع، ناسیونالیسم کرد را در هیبت حزب دمکرات حاشیه ای کرد.

می خواهم بگویم که تحولات اجتماعی بعد از انقلاب ۵۷ به این سو و تاثیر گذاری جریان کمونیستی کارگری حزب ما و طی دوره های مختلف، میدان چندان برای تاخت و تاز ناسیونالیسم کرد که به جز ملیت پرستی و شریک شدن در قدرت محلی امر دیگری نداشت را باقی نگذاشته بود. به یمن همین تحولات و نقش مستقیم جریان کمونیستی در

ادامه نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و تحولات پیش رو



محمد آسگران

کردستان فقط با رژیم اسلامی و سرمایه داران درگیر نیست بلکه در عین حال با جنبشی ناسیونالیستی روبرو است. تعدادی از احزاب منبعث از این جنبش در میان بخشی از جامعه به اعتبار مخالفتشان با جمهوری اسلامی جایگاه و پایگاهی دارند. بخشی از این احزاب اگر چه دست ساز و بی ریشه هستند اما به اعتبار تحولات منطقه ای و نقشی که آمریکا و احزاب حاکم بر کردستان عراق دارند میتوانند به عنوان دارو دسته هایی مسلح برای جنبشهای آزادیخواهانه مزاحمت ایجاد کنند. به این اعتبار سرمایه داری در کردستان با اتکا به این احزاب میخواید رنگ خود را به جنبشهای اعتراضی مردم بزند. این احزاب تلاش میکنند از مسله وجود ستم ملی در کردستان برای خود ناندانی درست کنند. همه این جریانات ناسیونالیستی و قومپرست تمام مدینه فاضله شان چیزی شبیه همان حکومت کردستان عراق است. همه آنها به حاکمیت ناسیونالیستهای کرد در کردستان عراق افتخار میکنند. آنرا پشتوانه ای برای خود میدانند. احزاب حاکم بر کردستان عراق هم پول و امکانات

نوشته و نقد ما به این جریانات مسلح به نظر میرسد. اکنون با فاکت میتوان نشان داد که این جریانات همان سیری را طی کرده اند که قبلاً پیش بینی کرده بودیم.

اما امروز بعد از شکستهایی که جریانات قومپرست و ناسیونالیست در پی شکست آمریکا در عراق با آن مواجه شدند، یک بار دیگر شاهد تحرك تازه ای از جانب آنها هستیم. جریانات قومپرست و ناسیونالیست بعد از اشغال عراق و اعلام سیاست آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی به آمریکا دل بستند. حزب دمکرات کردستان ایران دور دوم ریاست جمهوری بوش را تبریک گفت و آرزو کرد که بوش آنها را برای رسیدن به "دمکراسی" کمک کند و اینتر رسماً اعلام کردند. با شکست آمریکا در عراق و باز شدن باب مذاکره آمریکا و جمهوری اسلامی امید این جریانات به یاس تبدیل شد. احساس کردند که بوش به آنها خیانت کرده است. سرخوردگی آنها از این اتفاق باعث و بانی انشعابات و بروز شکست سیاستهایشان شد. اما اخیراً با توجه به تغییراتی در روش آمریکا

علیه جمهوری اسلامی و برجسته شدن دوباره احتمال جنگ، یک بار دیگر جریانات قومپرست و ناسیونالیست کرد به همان سیاق دوره قبل به تحرك افتاده اند. سرشاخ شدن آمریکا و جمهوری اسلامی را یک فرصت میدانند تا از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند.

حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، پژاک و سازمان زحمتکشان و جدا شدگان از آن، از جمله جریاناتی هستند که هیچ امیدی بجز کمک آمریکا برای پیروزی خود نمی بینند. به همین دلیل هر آن احتمال جنگ و اختلاف جمهوری اسلامی و آمریکا بالا میگیرد این جریانات قند در دلشان آب میشود و به فکر همگرایی و تشکیل جبهه و کنگره "ملیتهای" و تماس با مقامات آمریکایی... می افتند. تحركات تازه این جریانات و تلاش برای "استفاده از این فضا" در متن اوضاعی که یک بار دیگر تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا بالا گرفته است باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اما در متن چنین شرایطی تحركات ناسیونالیستهای درون کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و همچنین طیفی که

سالهای قبل، از کومله فاصله گرفته و اخیراً به تحرك افتاده اند دیدنی است. این طیف هم فکر میکنند که باید بر کومله فشار بیاورند تا به این سمت حرکت کند. تلاش این طیف برای آماده شدن و تاثیر گذاری بر کنگره ۱۳ کومله که در آینده قرار است برگزار شود در این چهار چوب قابل توضیح است. اقدامات ضد کمونیستی و نفرت از تاریخ حزب کمونیست ایران در میان این طیف برای آماده شدن و شریک شدن در همین پروژه است. اینها میخواهند شریک سفره ای بشوند که گویا قرار است جلوه هر دو حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان و پژاک و دیگر جریانات قومی پهن شود. در بخشهای بعدی جداگانه به همه این احزاب و جریانات مذکور خواهیم پرداخت. سعی میکنم ابتدا تحولات اجتماعی در کردستان را مروری بکنم و در متن این تحولات نشان دهم که چرا سیاستها و اقدامات جریانات قومپرست و ناسیونالیست، برخلاف منافع مردم کردستان و تنها در خدمت سهم بری خود آنها است. در پایان به نقش جایگاه و استراتژی جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری و نیروهایی که خود را چپ میدانند میپردازم. ادامه دارد

ملی با توجه به پاسخ انسانی و مادی جریان کمونیستی، بی اعتبار شده است. نکته دیگر اینست که پرونده احزاب ناسیونالیست کرد در عراق به ناسیونالیسم کرد در ایران از جنبه ای ضربه زده است و دست این جریان وقتی به قدرت برود را رو کرده است

ایسکرا: سازمان زحمتکشان و گروههای منشعب از آن متعلق به کدام حرکتی ارتجاعی در اوضاع سیاسی امروز در کردستان هستند و برای جلوگیری از عملکردهای مخرب آنها مردم باید چه بکنند؟

موقعیت ناسیونالیسم سنتی و قومی کرد در کردستان ایران چگونه است؟

عبدل کلپریان: جریاناتی نظیر بانند مهتدی، ایلخانی زاده و امثالهم، بنا به مطلوبیتی که برای شرایط یک سناریوی سیاه در خود نهفته دارند، بشدت بحال جامعه مضر و خطرناک هستند. اینها متعلق به حرکتی هستند که با

ضرب پول، اسلحه، خرافات و کهنه پرستی و تقسیم بندی آدمها بر اساس ملیت، قوم، نژاد، زبان و غیره، برای مدتی می توانند برای مردم ایجاد مزاحمت بکنند.

علم کردن پرچم فدرالیسم، قوم پرستی، ضدیت با مدرنیسم، کمونیسم و انسانیت، توسط این جریانات، هر انسان آزادیخواه، کمونیست و برابری طلبی را ملزم می کند که ماهیت ارتجاعی آن را برای جامعه و برای احزاب و نیروهایی که هنوز نسبت به چنین جریانی توهم دارند یا با نرمش با آن بر خورد می کنند، افشا کند. کاری که مردم می توانند بکنند این است که پرچم دفاع از انسانیت، همسرنوشتی انسانها، پشتیبانی و گسترده کردن مبارزات رادیکال، کمونیستی و برابری طلبانه را تقویت کنند، امری که اکنون در جامعه کردستان در جریان است که باید بیشتر از اینها تقویت شود و همزمان با این، ضدیت و بی ربطی

مشخصات فنی:

ماهواره هات برد

فرکانس
۱۲۳۰۳

مگاهرتز

سیمبل ریت
۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

مجازات
اعدام باید
برای همیشه
لغو شود

ادامه بیانیه مشترک اتحادیه آزاد، و...

شما حق ماندن در داخل شهر را ندارید و باید از شهر خارج شوید و اگر قصد ماندن دارید باید جایی در بیرون از شهر در چادر خود اقامت کنید. سپس طبق این دستور مامورین نیروی انتظامی اقدام به جمع آوری چادر آنها کرده و به جایی در حاشیه شهر آنان را انتقال داده اند که صبح امروز نیز شهرداری بوشهر اقدام به جمع آوری چادر این خانواده ها در حاشیه شهر بوشهر نموده است. از طرف دیگر در طول دو هفته گذشته داروهای مغز و اعصاب جوانیر را به ایشان نداده و از استفاده جوانمیر از عینک جلوگیری کرده اند و آنان به جز سه مورد تماس کوتاه با خانواده خود، هیچ تماس دیگری برقرار نکرده اند و تمامی این تماس ها زیر نظر اداره اطلاعات بوشهر و اساساً اقدامی بوده برای جلوگیری از پیگیریهای

خانواده های جوانمیر و طاهای برای کسب اطلاع از وضعیت عزیزانشان. در آخرین تماسی که دیشب مورخه ۸۷/۲/۲۴ جوانمیر مرادی با خانواده خود گرفت به آنها اعلام کرد که در حال انتقال به شهر کرمانشاه هستند. این در حالی است که صبح امروز مورخه ۸۷/۲/۲۵ اداره اطلاعات بوشهر به خانواده های جوانمیر و طاهای اعلام کرده است ما با این دو نفر يك هفته دیگر در اینجا کار داریم و شماها بروید يك هفته دیگر برای پیگیری وضعیت آنان به اینجا مراجعه کنید. تناقضهای پیش آمده در هر سه مورد تماسی که این دو نفر با خانواده های خود داشته اند از نظر ما بیانگر این است که آنان در اداره اطلاعات بوشهر تحت شدیدترین فشارهای جسمی و روحی هستند

بطوریکه آنها را وادار میکنند تا به خانواده هایشان زنگ زده و به آنان دروغ بگویند. جوانمیر مرادی و طاهای آزادی طی ۱۴ روزی که از بازداشت آنان میگذرد بیشترین فشارهای جسمی و روحی را متحمل شده اند. این رفتار تنها گوشه ای از رفتار ضد انسانی با کارگرانی است که هیچ اقدامی جز تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه انجام نداده اند و حتی این مراسم با دخالت نیروهای انتظامی صورت عملی بخود نگرفته است. این رفتار ضد انسانی با این دو نفر در حالی ادامه دارد که شیث امانی را به همین جرم یعنی برگزاری مراسم اول ماه مه، از قبل از اول مه امسال در سندانج به زندان افکنده اند و منصور اسالو را به دلیل فعالیتهای کارگری اش و علییرغم خواست کارگران ایران و جهان همچنان در بند نگه داشته و پنج نفر

عدم پرداخت دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه و تلاش برای احقاق حق خود و همکاریشان در آخر اردیبهشت ماه به دادگاه فرا خوانده شده اند.

۴- از نظر ما برگزاری مراسم اول ماه و اعتصاب و تجمع حق مسلم کارگران برای دفاع از حقوق انسانی شان است و ما از این حق انسانی خود دفاع خواهیم کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران
برق و فلزکار کرمانشاه
کارگران کارخانه شاهو
و جمعیهایی از کارگران:
کارخانه نساجی کردستان
پالایشگاه گاز فازهای
۹ و ۱۰ عسلویه
کارخانه نیرو رخش
کارخانه پریس

نامه آی تی یو سی به محمود احمدی نژاد در باره سرکوب و دستگیریهای صورت گرفته

آقای محمود احمدی نژاد
رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران
خیابان فلسطین، تقاطع
آذربایجان
تهران، ایران
فاکس:
۰۰۹۸.۲۱.۶۴۹ ۵۸۸۰
مه ۲۰۰۸
سرکوب اول ماه مه و
چندین دستگیری
رئیس جمهور محترم،
کنفدراسیون بین المللی اتحادیه
های کارگری (آی.تی.یو.سی)، به
نمایندهای از طرف ۳۱۱ سازمان
عضو وابسته، با عضویت در
مجموع ۱۶۸ میلیون کارگر از
۱۵۶ کشور و منطقه، بر علیه
سرکوب تظاهراتی مسالمت آمیز
اول ماه مه در ایران و دستگیری
بسیاری از فعالین اتحادیه های
کارگری، قویاً اعتراض می کند.
آی.تی.یو.سی. مطلع شده است که
مدت کوتاهی قبل از اول ماه مه،
مشخصاً روز ۲۳ آوریل ۲۰۰۸،
شیث امانی، یکی از بنیانگذاران
اتحادیه ملی کارگران اخراجی و
بیکار و یکی از رهبران سابق

منتقل شدند.
دستگیریهای بیشتری در شهر
اشنویه، جاییکه ۳ نفر از فعالین،
نسرین محمودی، آذر، حمید اطهری
و آرام ابراهیم. خالص، روز قبل از
اول ماه مه در محل کارشان دستگیر
شدند، صورت گرفت. خانم نسرین با
وثیقه آزاد شد اما دو نفر دیگر از
هیئت مسئولین اتحادیه آزاد
کارگران در ایران در بازداشت بسر
می برند.
دستگیریهای دیگری در سندانج،
جاییکه ۱۷ نفر از شرکت کنندگان در
مراسم اول ماه مه در جلوی
ساختمان سازمان تأمین خدمات
اجتماعی دستگیر شدند، صورت
گرفت. نامهایشان از اینقرارند:
صلاح زمانی، عضو مرکز دفاع از
حقوق کودکان، شیوا خیرآبادی،
عبداله نجار، غالب حسینی، علی
حسینی، بهاء الدین صدوقی، سوسن
رازانی. آنها بعداً آزاد شدند. در
سقزهم چندین نفر برای مدت
کوتاهی دستگیر شدند.
در بسیاری نقاط از برگزاری
مراسمهای اول ماه مه بدلیل اشکال
تراشی های دولت، ممانعت بعمل
آمد. در تهران، از اقدام به برگزاری
قبل از موعد مراسم اول ماه مه در
روز ۲۵ آوریل جلوگیری شد، زمانی
که پلیس و نیروهای امنیتی پارک
چیتگر را بستند و شرکت کنندگان را

متفرق کردند، در حالیکه بیشتر از
۱۰۰۰ نفر نیروی امنیتی پارک را
تعطیل کردند اما کارگران فوراً به
پارک دیگری در همان نزدیکی
(پارک جهان نما) رفتند و توانستند
اول ماه مه را جشن بگیرند. در
سندانج، فرماندار شهر از دادن اجازه
برای برگزاری مراسم امتناع کرد و
فعالین اتحادیه های کارگری مجبور
شدند مراسم جشن را به حومه
اطراف شهر هدایت کنند. در شهر
کرمانشاه، از فعالیتهای برنامه ریزی
شده، بخاطر فشار مقامات،
جلوگیری شد.
در جشن اول ماه مه که توسط
نهاد وابسته به دولت خانه کارگر در
استادیوم یونک سازماندهی شده بود
، به فعالین
مستقل کارگری اجازه ورود داده
نشد.
آی.تی.یو.سی. مراتب تأسف
خود را از این واقعیت که دولت ایران
به سرکوب کردن مراسمهای
مسالمت آمیز در اول ماه مه ادامه
می دهد، ابراز می دارد. این
خجالت آور است که کارگران ایرانی
باید هنوز از سرکوب بخاطر شرکت
کردن در این جشن جهانی کارگران
رنج ببرند. ایران دوباره و دوباره
فعالین کارگری را تنها برای شرکت
در مراسم اول ماه مه سرکوب کرده
است.

آی.تی.یو.سی. مایل است به
دولت ایران بکبار دیگری یادآوری کند
که مراسم مسالمت آمیز اول ماه مه
بعنوان اصل آزادی تشکیک
همانطوریکه در کنوانسیون ۸۷ آی.
ال.او گرامی داشته میشود مورد
حمایت است. دولت ایران موظف
است بخاطر حفظ حرمت عضویتش
در آی ال او به این اصل احترام
بگذارد.
آی.تی.یو.سی. هیچ چاره ای
ندارد غیر از اینکه این اتفاقات را به
کمیته آی ال او برای آزادی تشکیک
گزارش کند. موارد دیگری که هنوز
در این کمیته در حال رسیدگی
هستند، همچنان دارای فوریت
هستند. آی.تی.یو.سی. مصرانه از
شما می خواهد که با قدرتمندترین
شیوه ممکن سرکوب شدید معلمین
و سندیکای شرکت واحد را متوقف
کنید و از همه مهمتر
آی.تی.یو.سی. دوباره مصرانه از
شما می خواهد که منصور اسالو را
فوراً آزاد کنید.
ارادتمند شما
دبیرکل
رونوشت: عالیجناب آیت الله
خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی
ایران
ترجمه و تکثیر اتحادیه آزاد
کارگران ایران

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به آی تی یو سی در مورد بازداشت شیث امانی و تشدید فشار بر کارگران در اول ماه مه

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران
به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری
موضوع: بازداشت شیث امانی و تشدید فشار بر کارگران در اول ماه مه
با درودهای فراوان
دوستان و همکاران گرامی

امسال بنا بر سنت چند ساله ی گذشته و علیرغم فشارهای طاقت فرسایی که در این سالها متحمل شده ایم، اتحادیه ما و محدود تشکلهای کارگری مستقل موجود، تصمیم به گرامیداشت پر شکوه تر این روز گرفتیم، اما در آستانه اول ماه مه شیث امانی از بنیانگذاران اتحادیه آزاد کارگران ایران و رئیس هیئت مدیره این اتحادیه در دوره قبل را بطور غیر مترقبه و با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران بازداشت و روانه زندان کردند. شیث امانی یکی از کارگران اخراجی نساجی کردستان و سالها نماینده کارگران این کارخانه بود. وی پارسال در مراسم اول ماه مه بازداشت و بمدت ۴۲ روز در زندان بود. دادگاه بدوی، ایشان و صدیق کریمی یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه ما را به دو سال و نیم زندان محکوم کرده بود و آنان با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده و منتظر صدور حکم دادگاه تجدید نظر بودند. آقای شیث امانی در مورخه ۳/۲/۸۷ برای تعویض سند ملکی خود به دادگاه مراجعه کرده بود که همانجا و بدون ابلاغ قبلی حکم دادگاه تجدید نظر به ایشان و وکیلش، بازداشت و روانه زندان شد.

از نظر ما بازداشت نا گهانی شیث امانی در آستانه اول ماه مه هدفی جز ایجاد وحشت در میان کارگران برای ممانعت از برگزاری مراسم این روز نداشت کما اینکه اقدامات بعدی نیروهای انتظامی و امنیتی صحت این ادعا را ثابت کرد.

۱- علیرغم پیگیریهای مکرر مسئولین اتحادیه ما در سندج برای دریافت مجوز جهت برگزاری مراسم اول ماه مه، فرمانداری این شهر مجوز را صادر نکرد و به دلیل فشار نیروهای امنیتی، دوستان ما ناچار شدند بدون فراخوان گسترده ای این مراسم را در بیرون از شهر سندج برگزار نمایند.

۲- در تهران صدها نیروی امنیتی و انتظامی با به محاصره در آوردن پارک چیتگر و بستن دربهای آن و ایجاد رعب و وحشت از طریق نمایش قدرت با نیروهای موتور سوار و یگان ویژه، جلو برگزاری مراسم اول ماه مه در این پارک را گرفتند.

۳- در سندج شش نفر از شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه در مقابل سازمان تامین اجتماعی از بازداشت کردند (این افراد هم اکنون آزاد شده اند)

۴- در عسلویه بنا به فراخوان اتحادیه ما، کارگران هنگامی که در حال جمع شدن برای برگزاری مراسم اول ماه مه بودند با نیروهای انتظامی مواج شدند که این نیروها با جمع آوری پلاکاردهای کارگران سه نفر از آنان به نامهای جوانمیر مرادی عضو اصلی هیئت مدیره و طه آزادی عضو علی البدل هیئت مدیره

اتحادیه ما و یک کارگر دیگر به نام سعید حضرتی را بازداشت کردند. جوانمیر مرادی و طه آزادی از لحظه بازداشت و با دستبندی که از پشت بر دستهای آنان زده اند و تا کنون آنها باز نکرده اند همچنان در اختیار نیروهای اطلاعاتی قرار دارند و امروز خانواده اش را با وی ممنوع الملاقات کردند.

۵- در شهر اشنویه اتحادیه ما به همراه برخی دیگر از فعالین مدنی این شهر قصد برگزاری مراسم اول ماه مه را داشتند که سه نفر از این فعالین مدنی به نامهای نسرین محمودی آذر، حمید اطهاری و آرام ابراهیم خاص روز قبل از اول ماه مه در سرکارهایشان بازداشت شدند و تا کنون بجز نسرین که با قرار وثیقه آزاد شده است دو نفر دیگر همچنان در بازداشت بسر می برند.

۶- اتحادیه ما به دلیل فشارهای موجود مراسمی را که در مقابل اداره کار شهر کرمانشاه تدارک دیده و فراخوان داده بود عملا نتوانست برگزار نماید.

تمام اینها در شرایطی است که:
۱- سال گذشته ۶ نفر از کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه شهر سندج را به جرم شرکت در این مراسم شلاق زدند و علیرغم خواست میلیونها کارگر در ایران و جهان برای آزادی منصور اسالو، وی همچنان در زندان است و حدود سی نفر از کارگران عضو سندیکای کارگران شرکت واحد همچنان از کار خود معلق هستند و بطور مرتب به دادگاه احضار میشوند.
۲- ۵ نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را به دلیل دفاع از

حقوق صنفی شان اخیرا به دادگاه فراخوانده و بیش از صد نفر از کارگران شرکت نورد و پروفیل ساوه و یخچال سازی مروشدت را در اواخر سال گذشته و اوایل امسال بدلیل شرکت در اعتصابی کوتاه مدت از کار خود اخراج کرده اند. همچنین ایجاد تشکلهای کارگری در مراکز تولیدی و صنعتی ممنوع است و هر کارگری که اقدام به ایجاد تشکل مستقل بنماید بلافاصله بازداشت و از کار اخراج میشود.

۳- مسئله تعویق پرداخت دستمزدها در سال گذشته سیر بسیار صعودی را طی کرد و صدها مرکز تولیدی و صنعتی و خدماتی از پرداخت بموقع دستمزدهای کارگران خودداری کردند بطوریکه این مسئله در حال حاضر به یک شیوه روتین در پرداخت دستمزدها تبدیل شده است و روزی نیست که دستمزد کارگران دهها مرکز تولیدی و صنعتی با تعویق های از یک ماه تا دو ساله پرداخت شود.

۴- در اولین روزهای سال جدید حدود پنجاه هزار کارگر از کار خود بیکار و اخراج شدند. این کارگران به دلیل ممنوعیت تشکل مستقل کارگری در محیطهای کار هیچ پشتیبانی ای برای دفاع از حقوق صنفی خود ندارند. این اخراج سازینها باعث شده است تا روز بروز بر تعداد کودکان کار در ایران افزوده شود.

۵- در تعیین حداقل دستمزدها نماینده های مستقل کارگران در جلسات تعیین دستمزدها حضور ندارند و همین امر باعث شده است تا امسال نیز همچون سالهای گذشته دستمزدی زیر خط فقر به مبلغ ۲۱۹۶۰۰ تومان به عنوان حداقل دستمزد کارگران تعیین شود. این در

حالی است که فقط اجاره بهای منزل مسکونی در مراکز استانها که ۹۰ درصد کارگران در آنها سکونت دارند بطور متوسط در سطح کشور ۳۰۰ هزار تومان در ماه است و از سوی دیگر بدلیل عدم اجرای طبقه بندی مشاغل در بسیاری از کارخانجات، اکثریت عظیم کارگران فقط همین حداقل دستمزد را دریافت کرده و از طرف دیگر بخش مهم و قابل توجهی از کارگران بویژه کارگران زن، حتی این حداقل دستمزد را نیز دریافت نمیکند.

دوستان گرامی
اتحادیه ما ضمن قدردانی از اقدامات تا کنونی شما در مورد کارگران ایران، از شما انتظار دارد تا نسبت به تداوم بازداشت منصور اسالو، شیث امانی، جوانمیر مرادی، طه آزادی، حمید اطهاری و آرام ابراهیم خاص مراتب اعتراض خود را به دولت ایران اعلام دارد و از طرف دیگر با توجه به نزدیکی تاریخ برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار و با عنایت به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران عضو سازمان جهانی کار است و کارگران ایران نیز نماینده مستقلی در این اجلاس ندارند، ما از شما می خواهیم تا به نمایندگی از اتحادیه ما، مسائل مطروحه در این نامه را به مثابه نقض شدید حقوق پایه ای کارگران ایران در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار مطرح نمایید.

با احترام
اتحادیه آزاد کارگران ایران
رونوشت به گلوبال یونیون و سازمان جهانی کار جناب خوان سوامایا
۱۳۸۷/۲/۱۶
www.ettehade.net
k.ekhradj@gmail.com



یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

از مکان نگهداری جوانمیر مرادی و طاهای آزادی سرباز زده و به خانواده های جوانمیر و طاهای اعلام کرده بود که آنان در اداره اطلاعات نیستند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۷۱۳۸/۲/۲۲
www.ettehade.net
k.ekhradj@gmail.com

موفق به ملاقات با دادستان کل بوشهر شد و دادستان کل این شهر دستوری مبنی بر ملاقات آنان با جوانمیر و طاهای صادر نمود. اما دیروز اداره اطلاعات از دادن این ملاقات سرباز زد و امروز با پیگیریهای خانواده جوانمیر مرادی، اداره اطلاعات بوشهر به جای دادن ملاقات حضوری، فقط دو دقیقه به هر یک از اعضای خانواده جوانمیر اجازه صحبت با وی را داد.
اداره اطلاعات بوشهر تا دیروز

اخبار مرتبط با مراسم اول ماه مه در عسلویه و بازداشت جوانمیر مرادی و طاهای آزادی، منتشره توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران
امروز فوزیه خالصی موفق شد به مدت دو دقیقه از طریق تلفن با جوانمیر مرادی صحبت کند بدنبال تلاشهای پیگیرانه فوزیه خالصی و همراهانش برای کسب اطلاع از وضعیت جوانمیر مرادی و طاهای آزادی، دیروز فوزیه خالصی

معلمین بازنشسته کرمانشاه تا روز چهارشنبه برای تحقق خواسته هایشان به رئیس کل آموزش و پرورش مهلت دادند

همانطور که در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رساندیم، معلمان بازنشسته کرمانشاه تا کنون در چندین تجمع اعتراضی، خواستار پرداخت حقوق و پاداش پایان خدمت خود شده اند. براساس اخبار رسیده، روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت، فرهنگیان بازنشسته کرمانشاه، برای پیگیری خواسته هایشان، بار دیگر در مقابل اداره کل آموزش پرورش در کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها از ساعت ۹ صبح تجمع خود را شروع کردند و تا ساعت ۱۱ به تجمع خود ادامه

دادند و شعار دادند: "مجری عدالت خجالت خجالت". پس از آنکه اعتراض آنان با بی توجهی مسئولان آموزش و پرورش روبرو شد، وارد ساختمان شده و جلوی دفتر امینی، رئیس کل آموزش و پرورش، جمع شدند. امینی که به وحشت افتاده بود از آنها خواست که به نمازخانه و یا سالن جلسات بروند اما فرهنگیان قبول نکرده و در راهرو به عنوان اعتراض روی زمین نشستند و شروع به دادن شعار کردند و تا چهارشنبه آینده به امینی مهلت دادند تا به خواسته هایشان رسیدگی کند، در غیر این صورت به تجمعات

اعتراضی ادامه خواهند داد و بر شدت مبارزه خود خواهند افزود.

همچنین براساس خبری از سنج، روز شنبه ۲۱ اردیبهشت، ۱۲۰ نفر از بازنشستگان استان کردستان در اعتراض به تبدیل پاداش پایان خدمت آنان به سهام عدالت، در مقابل سازمان آموزش و پرورش در سنج تجمع کردند و خواهان رسیدگی مسئولان به خواسته هایشان شدند اما در طول ۳ ساعت حضور آنها، هیچیک از مسئولان این سازمان حاضر به پاسخگوایی نشد. به دنبال بی

توجهی مسئولان، بازنشستگان به دفتر نماینده مجلس، امین شعبانی رفتند که او نیز با بی احترامی با آنان برخورد کرد. در پایان این تجمع، بازنشستگان اعلام کردند که اگر مسئولان آموزش و پرورش به خواسته هایشان توجهی نکنند با تعداد بیشتری در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتراضات و خواست های معلمان دفاع میکند و خانواده های معلمان، مردم و دانش آموزان را فرامیخواند تا با شرکت در اعتراضات معلمان از خواسته های آنان حمایت کنند.

رژیمی که سالیانه ملیاردها خرج دستگاه سرکوب و نهادهای مذهبی و دزدی و لفت و لیس خود میکند، رژیمی که در دفاع از سود سرمایه داران از هیچ جنایتی رویگردان نیست و از پاسخگویی به ساده ترین نیازهای مردم طفره میبرد، باید گورش را گم کند. از بوشهر تا تهران، از هفت تپه تا سنج، از کرمانشاه تا گناوه، همه جا اعتراض به حکومت کثیف اسلامی شعله میکشد. سرگونی حکومت اسلامی، تنها راه پایان دادن به جهنمی است که این حکومت به اکثریت محروم جامعه تحمیل کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۱۳ مه

برگزاری مجمع عمومی کارگران نساجی کردستان و تشکیل شورای کارخانه

بنا به خبر منتشره توسط "اتحادیه آزاد کارگران ایران" روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ۸۷ مجمع عمومی کارگران نساجی کردستان برگزار شد و کارگران به بررسی مشکلات خود پرداختند. در این مجمع کارگران اقدام به تشکیل شورای کارگری کارخانه نمودند و طوماری را به اداره کار سنج تحویل دادند که خواهان به ثبت رسیدن شورای کارگری در کارخانه شده است.

نیمه فروردین سال جاری تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و علیرغم عدم تولید کارگران تمامی شیفتها هر روز به کارخانه میروند و پس از پایان ساعت کاری به منزلشان برمیگردند. قرار است استانداری به مشکل نقدینگی کارفرما رسیدگی کند و در صورت حل مشکل از اواخر خرداد کارخانه شروع به کار خواهد کرد. نساجی کردستان در حال حاضر دارای ۲۰۰ کارگر است.

سرمایه داران و دولت آنها برای سر باز زدن از پرداخت بقوق حقوق کارگران از جمله به کمبود نقدینگی

نپردازند؟ و بالاخره چرا استانداری که قرار است مشکل نقدینگی کارفرما را حل کند فوراً حقوق کارگران را از همان منابعی که در اختیار دارد پرداخت نمیکند که فرزندان کارگران گرسنه نمانند؟ حقوق کارگران باید فوراً پرداخت شود. کارگران مسئول کمبود نقدینگی کارفرما نیستند، کار کرده اند و حقوق ناچیزشان را نمیخواهند با تاخیر دریافت کنند. سرمایه داران حریص و دولت در مقابل کارگران مسئول هستند و باید جوابگو باشند. قدرت اتحاد و همبستگی کارگران و پشتیبانی مردم زحمتکش از مبارزه کارگران فقط میتواند

اشاره میکنند و نهادهای دولتی همچون استانداری و امثال آن ماهها کارگران را سر میدوانند. اما کارگران که از اساس نقدینگی ای ندارند و حقوقشان هم پرداخت نمیشود و تا اواخر خرداد هم قرار است بلاتکلیف باشند آنگاه برای کرایه خانه و پول آب و برق و تلفن و ابتدائی ترین مایحتاج زندگی خود باید چکار کنند؟ آیا نهادهای دولتی و صاحبان کالاهای مصرفی کارگران و شرکتهای دولتی آب و برق و تلفن از کارگران قبول میکنند که کارگر بدلیل نداشتن نقدینگی قبض هایشان را پرداخت نکنند و پول مایحتاج روزانه و کرایه خانه را

سرمایه داران و دولت آنها را وادار به رعایت حقوق کارگران بکند.

ما ضمن تبریک به کارگران نساجی کردستان برای برگزاری مجمع عمومی کارگران این کارخانه همه کارگران دیگر مراکز کارگری را به برگزاری منظم مجمع عمومی فرا میخوانیم. قدرت کارگران در اتحاد و تشکشان است. تشکیل مجمع عمومی کارگران به منظور تصمیم گیری برای گرفتن حقوق کارگران یکی از ابزارهای عملی و ممکن برای متشکل شدن و متحد ماندن است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷
۱۳ مه ۲۰۰۸

جوانمیر مرادی و طه آزادی را به اداره اطلاعات بوشهر منتقل کردند

شش روز پس از بازداشت جوانمیر مرادی و طه آزادی هنوز به خانواده های آنان در مورد اتهاماتشان پاسخی نداده اند شش روز از بازداشت جوانمیر مرادی و طه آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران میگذرد. جوانمیر مرادی و طه آزادی به دنبال اقدام برای برگزاری مراسم اول ماه مه در عسلویه که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران فراخوان داده شده بود بازداشت شده و

در این مدت در اختیار اداره اطلاعات عسلویه بودند و تا کنون علیرغم پیگیریهای مکرر خانواده آنان، هیچگونه پاسخی از سوی مقامات قضایی عسلویه در باره اتهامات جوانمیر و طه به آنان داده نشده است.

بر اساس خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از لحظه بازداشت جوانمیر و طه، دستهای آنان را از پشت دسبند زده و تا کنون این دستبندها را باز نکرده اند.

بنا به گفته فزیه خالصی همسر جوانمیر مرادی، به جوانمیر اجازه استفاده از عینک داده نشده و همین امر باعث شده تا سلامتی چشمان وی در معرض آسیبهای جدی قرار بگیرد بطوریکه چشمان وی بشدت قرمز و دچار ورم شده است. همچنین در مدت شش روز گذشته از دادن داروهای درمانی جوانمیر نیز که باید روزانه از آنها استفاده کند خودداری کرده اند.

بنا بر آخرین اخبار دریافتی

امروز ساعت ۱۶ بعد از ظهر جوانمیر مرادی و طه آزادی را از اداره اطلاعات عسلویه به اداره اطلاعات بوشهر منتقل کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران شدیداً نگران وضعیت جوانمیر مرادی و طه آزادی است و قوه قضائیه دولت جمهوری اسلامی را مسئول سلامتی روحی و جسمی جوانمیر مرادی و طه آزادی میداند و از تمامی سازمانهای کارگری و نهادهای حقوق بشری می خواهد تا هر چه فوری تر مراتب اعتراض شدید خود را در باره وضعیت

جوانمیر مرادی و طه آزادی به دولت جمهوری اسلامی ایران ابراز دارند.

جوانمیر مرادی و طه آزادی همچون شیث امانی و سایر بازداشت شدگان مراسم های اول ماه مه در ایران هیچ جرمی جز برگزاری مراسم روز جهانی کارگر مرتکب نشده اند و باید فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند.

رونوشت به آی تی یوسی
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۳۸۷/۲/۱۷
www.ettahade.net
k.ehraj@gmail.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!